

درد لرزگی از زنده امید بر چه می کشم نه نیالی بسیار عمر نژود و پیمان لرزیم
درد بر هم ک ن که در سر لر دنیا ^{الله} برای آن از ادی دینر کار و کوشش می کنند و در راه بی رغبت
و سنگد ما می آنها می گویند

آره اصلاً همان آنجا دارد که بگوید سر اسر عمر خود از من در راه عشق بی آن که؟ به آرزوی دین
که گفته اند تابع مروت ، به سر رسید است

او از سال ۱۳۲۴ که نخستین محکوم به اعدام دوران رضوانی خود را در آن به نام "گل آرزوی خودرو"
تا آخرین محکوم به اعدام در سال ۱۳۸۴ در آن مشرف است. همواره مفهوم و موضوع شعرش آنال و آرزوی
بوده است و امروز می بیند که بیجی کاری انجام ندان است
اما بنده می شناسد نه شو ما گوید و سروده آن را که ال را می خواند. جوستیمان مردم ایران شعریست
و یک سر می اندازد مادر ای تاریخ آردن بسیار ارضان ام فردوسی ، این سنا و حافظ و سعدی
همیت ما را نیالی اند که می آید این با نام آنان شناخته بگویم و از مرز این آرزوی گذر کنم ،
در عین حال روانی که در این سنجید و بگذرد بگویم ، گفته نیر از آن جهان و از آن ما
میستند که آرزوی من خوانم و نرو می گیریم .

خانم پریگ جلالی CD خون دپاره می زاله در دست کرده است که خود را در و صبر می
آنها لغت دپارش و زاله در دست دارند. قرار است CD را
برای من بفرستند و لی بذر ترسد است

۳۰ اپریل ۲۰۰۷

واله